######

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسی شریعت، طریقت، حقیقت و رابطه ی میان آنها**

**فهرست**

**مقدمه**

**شریعت**

**از اسلام تاریخی به اسلام معنوی**

**طریقت**

**شریعت، طریقت و حقیقت**

**دین و عرفان**

**عرفان اسلامی شریعت گریز نیست**

**معنای شریعت گریزی**

**راههای بررسی شریعت گریزی**

**نماز در آیینه ی شریعت، طریقت و حقیقت**

**تصوف و بررسی آن در فرقه ها و ادیان مختلف**

**ریشه های تصوف در ایران باستان**

**بیان عروج اهل تصوف و عرفان**

**نتیجه گیری**

**منابع و مآخذ**

#  چکیده

در این تحقیق به بررسی شریعت، طریقت، حقیقت و رابطه ی میان آنها پرداخته ایم که به اختصار به شرح زیر است:

شریعت راه خداست که آن راه عبارت است از مجموعه اصول و فروع، حلال و حرام و برنامه های حسن و احسن طریقت عبارتست از عمل به آن قوانین در کمال احتیاط و اخذ به احسن و اقوم آن حقیقت عبارت از پا برجا کردن واقعیات الهی در روح و قلب و در مرحله ی عمل است با معرفت و تکرار برنامه ها و ریاضت های شرعیه ی الهیه تا سر حد کشف و عیان یا سرحد حالتی استوار و دریافت برنامه ها به صورت یقین

و اما این که تنها راه وصول به مقصود اول تحصیل، آموختن و تکرار آن و دوم مجاهده و ریاضت و مشغول بودن به ذکر است . اول باید به مدرسه روند و درس شریعت آن قدر که لازم است بیاموزند چرا که آداب و مقدمات درک و فهم سخن نیز در مدرسه حاصل می گردد، آن گاه پای در طریق خدا نهند و دست طلب به دامن مرشد و استادی دانا زنند و آن چه لازم است از علم طریقت از وی یا گیرند و سپس با نظارت و اجازه و راهنمایی استاد به ریاضت و مجاهده و ذکر مشغول شوند و مقصد این راه همان حق و حقیقت (خدا) است که در صورت طی صحیح این راه به آن دست خواهند یافت.

مقدمه:

انگیزه ی ما از انجام این تحقیق دست یافتن به حقیقت دین و عرفان در ادبیات یکی کردن مطالب پراکنده از نویسندگان در این رابطه بوده است.

که در ابتدا به بررسی آثار نویسندگان مختلف پرداخته و رابطه ی بین آن ها را بررسی کرده و معقول ترین برهان و دلیل را از میان آن برگزیده و به آن پرداخته ایم

در انتها از کلیه ی افراد و مراکزی که ما را در گردآوری این تحقیق یاری رساندند کمال تشکر را داریم.

شریعت:

11 قانونی که پیغمبران از جانب خداوند عالم بر مردمان آورده اند و وخشور بند و وخشور پند و خشور نهاد نیز گویند (ناظم الاطباء) راه پیدا کرده ی خدا برای بندگان در دین محمدی (ص) به عبادات و معاملات . (غیاث اللغات). راه، کیش، آیین، شریعه، شریعة، راه دین، ملت، راه روشن، دین، قانون، جمع شرایع، مقابل طریقت، (یادداشت مؤلف) راه دین (مهذب الاسماء) حبل المتین(دمار):

آنگاه شریعت آمدش و رسول گشت پس از آن چهل و هشت سال بزیست (قصص الانبیا ص 140)

علم و حکمت و شریعت و طریقت بیان کرد (سند باد نامه ص 3) فاضلترین انبیا آنست ک به وی کتاب و شریعت نازل شده است. (سند باد نامه ص 7)

بر من لازم آمد به موجب شریعت و فتوت و سنت مروت به دفع آن کوشیدن (سند باد نامه ص 323) تا رستاخیز این شریعت خواهد بود هر روزی قوی تر و پیدا تر و بالاتر (ابوالفضل بیهقی)عقوتب بر مقتضای شریعت باشد چنان که قضات حکم برانند (ابوالفضل بیهقی) امیر المؤمنین را از عزیمت خویش آگاه کردیم و عهد....جمله ی مملکت پدر را خواستیم....

هر چند بر حق بودیم به فرمان وی تا موافق شریعت باشد (ابوالفضل بیهقی)

در ره دین ؟ بر ستور شریعت

وز علما دان درین طریق منازل (ناصر خسرو)

گفتند که موضوع شریعت نه به عقل است

زیرا که به شمشیر شد اسلام مقرر(ناصر خسرو)

از سخن دین به بوستان شریعت

برگ و بر علم را بدیع نهادیم (ناصر خسرو)

آنگاه بپرسیدم از ارکان شریعت

کاین پنج نماز از چه سبب گشت مسطر (ناصر خسرو)

جان تو بی علم خر لاغر است

علم ترا آب شریعت چراست (ناصر خسرو)

شریعت و حقیقت از عبارات اهل الله است که یکی از صحت حال ظاهر کند و یکی از اقامت حال باطن. ابوالقاسم مشیری گوید: شریعت امر به التزام عبودیت است و حقیقت مشاهده ی ربوبیت؛ و هر شریعتی که مؤید به حقیقت نباشد غیر مقبول است و هر حقیقتی که مقید به شریعت نباشد غیر محصول است. شریعت جهت تکلیف خلق می آید و حقیقت از طریق و تصدیق حق خبر می دهد.

خواجه عبدالله گوید: شریعت همه نفسی بود و اثبات بر قالب و هیکل و طریقت همه محو کلی باشد و حقیقت همه حیرت است، شریعت را ؟ و طریقت را دل، و حقیقت را جان اگر شریعت خواهی اتباع و اگر حقیقت خواهی انقطاع باقی همه صداع

بعضی گویند: شریعت معرفت سلوک الله است و حقیقت دوام نظر به سوی اوست و طریقت سلوک طرق شریعت ؟ عمل به مقتضای شریعت. و بالجمله مراحل تربیت معنوی عبارتند از: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت؛ که در مرحله ی اول التزام شریعت و در رتبت دوم به مدد راهنمای معنوی و رشد احکام طریقت را نیز ملتزم شود (از فرهنگ ؟ عرفا تألیف آقای دکتر سجادی)

از اسلام تاریخی به اسلام معنوی :

1. با توجه به جایگاه دین و نقش اسلام در فرهنگ ایران در طول تاریخ، اصلاح اندیشه دینی یکی از ارکان جنبش اصلاح طلبی در ایران معاصر است؛ تا حدی که بدون اصلاح اندیشه دینی، اصلاحات به فرجام نخواهد رسید. برخی از مهمترین موانع فراروی اصلاحات تنها از این زاویه قابل درک است. اندیشه دینی و دیگر ابعاد جامعه با هم در تعامل اند و اصلاح یا عدم رشد یکی بر دیگری تأثیر خواهد گذاشت. مشکل اصلی جنبش نو پای اصلاحات در سرزمین ما این است که هنوز ضوابط و معیارهای اصلاح طلبانه در فرهنگ جامعه ما رسوخ نکرده و به هنجار فرهنگی تبدیل نشده است. تا زمانی که مبانی اصلاحات به صورت عرف و هنجار فرهنگ عمومی در نیاید، در بر همین پاشنه خواهد چرخید.

منحنی تحول اندیشه دینی در ایران، به ویژه در سده اخیر، رشد شتابنده ای را نشان می دهد. این تحول را می توان به گذار از تلقی تاریخی از دین به تلقی معنوی و معطوف به غایت دینداری تعبیر کرد. مراد از اسلام تاریخی، غلبه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. گویی قالب و صورت اصیل اسلام، قالب و صورت زمان بعثت است و به میزانی که از آن گذشته مقدس دور می شویم و از آن شرایط تاریخی فاصله می گیریم، از اسلام اصیل و واقعی دو شده ایم. بهترین شرایط، شرایط دوران پیامبر است، و احیای دین معنایی جز بازسازی همان شرایط و مقتضیات و مناسبات آغازین ندارد.

در مقابل، اسلام معنوی و غایت مدار، با در نوردیدن شرائط زمانی مکانی عصر تکوین دین، دینداری را در معرفت و تحقق روح دین و اهداف و غایات اسلام می داند. بنابراین تلقی، هماهنگی نظری و عملی با هدف بعثت و روح اسلام، یعنی تقوی، ضابطه دینی بودن است نه اکتفا به رعایت ظواهر و قالبهای خاص زمانی- مکانی عصر نزول. اسلام به زلالی باران است و با جریان یافتن در بستر تاریخ و سرزمینهای مختلف، رنگ و طعم و بوی عرفهای گوناگون را به خود گرفته است که التبه در این میان، عرف و رویه زمان و مکان عصر تنزیل بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. کار مشترک عالمان دین و اسلام شناسان بصیر به دست دادن معرفت بی پیرایه دین و پالایش احکام آن از مناسبات زمانی و مکانی مختلف، از جمله مقتضیات ویژه عصر نزول است؛ یعنی گذر از مسائل زمانمند به متن ثابت و فرا زمانی دین. به عبارت دیگر: رها کردن اسلام از آن دسته از احکامی که مصلحتشان منقضی شده و تنها قالب و ظاهر و صورتشان باقی مانده و دیگر وصول به اهداف و غایات متعالی دین را تأمین نمی کنند، و تأکید مضاعف بر غایت، محتوا و مغز تعالیم دینی. روند رایج اسلام شناسی و دین پژوهی در جامعه ما در مجموع در این راستاست، و این روند کمال جو و رو به رشد به نفع دینداری است و اگر چه به ظاهر به کوچکتر شدن قلمرو دین می انجامد، اما با نزدیکتر شدن به قلمرو واقعی دین، این قلمرو جدا تعمیق شده و انسان سرگشته امروز گمشده خود را در ژرفای این تأملات دیندارانه می جوید. دین هر چه بیشتر در بوته مسائل و مشکلات مختلف اجتماعی و معرفتی گداخته تر می شود، واقعیت، کارآیی، قلمرو و انتظارات از آن بهتر و بیشتر و دقیق تر مشخص می شود.

در این میان مدرنیته یک نقطه عطف است. تا قبل از مواجهه مسلمانان با مدرنیته، که طلیعه آن در جامعه ما با نهضت مشروطه آغاز شد، دینداران در دینداریشان کمتر مشکلی می یافتند؛ یعنی اعتقادات، اخلاق، فقه و شریعتشان را بهنجار می یافتند و در مواجهه با مسائل مختلف مشکلی احساس نمی کردند. با ورود جهان به عصر مدرنیته و تجدد و آشنایی تدریجی مسلمانان با ضوابط و مباحث عصر جدید، نسبت بین دینداری و تجدد از مهمترین مسائل فراروی انسان مسلمان معاصر شد.